

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ جولای ۲۰۲۲

## تشدید اختناق به بهانه مخالفت با شایعه پراکنی!

جمعه - ۳۱ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: همان طوری که رسانه ها اعلام داشتند، روز گذشته بازم "امیر غایب" از مرکز غیبی خود، فرمانی صادر نمود و بدان وسیله ضمن آن که "شایعه پراکنی" را ناجایز اعلام داشت از تمام مردم نیز خواست تا کارمندان ادارات طالب را با شایعه پراکنی هایشان بی اعتبار نسازند ورنه مجازات خواهند شد. در یادداشت کنونی مکث کوتاهی در همین مورد خواهیم داشت:

۱- این بحث از آن جایی که مفاهیمی مانند شایعه پراکنی، اخبار و انتقاد را که مفاهیمی اند نزدیک به یک دیگر و قابل تداخل به همدیگر در فرمان "امیر غایب" روشن نشده، می تواند پایه های سوءتفاهمات و سوءاستفاده های متعدد را بگذارد. امری که اگر خواسته باشم خود در زمینه روشنی بیندازم مطمئناً از ظرفیت یک یادداشت فرا تر خواهد رفت.

۲- سوءاستفاده از نزدیکی بین مفاهیمی که در بالا تذکار یافت و روشن نساختن مرزهای دقیق آنها، در واقع تلاش ردیالانه ایست از جانب "امارت اسلامی" نظام ملاسالار و امیر غایب آنها، تا به دهن مردم پوزبند زده، به کسی اجازه صحبت ندهند و ساطور مجازات شایعه پراکنی را همیشه بر بالای سر مردم افغانستان آویخته نگه دارند. یعنی آنها به همین اندازه استبدادی که قایم نموده اند هم راضی نیستند و می خواهند هرچه بیشتر استبداد و اختناق ارتجاعی و ضد ملی شان را عمق و گستره بیشتر ببخشند.

۳- هدف این فرمان که می خواهد جامه تقدس برتن تمام طالبان و کلیت نظام ملاسالار بپوشاند و مقام آنها را نه تنها از انبیای بنی اسرائیل بلکه از پیامبر اسلام و یارانش نیز بالا تر برده، هر نوع انتقاد از عملکرد آنها را زیر عنوان شایعه پراکنی مجازات تشدید اختناق می باشد. اصولاً قرآن با سه آیت شایعه پراکنی را مشخص ساخته و مردم را از آن برحذر داشته است، بدون آن که صرف به حساب گوش دادن و یا حتا تکثیر شایعه، برای افراد مجازاتی در دنیا و یا آخرت تعیین بدارد. آن موارد آیت ۱۴۴ سوره آل عمران، آیت ۸۳ سوره النساء و آیت ۶۰ سوره احزاب می باشد.

آنهاست که با قرآن آشنائی دارند و قرآن را خوانده و فهمیده اند نه این که یا صرف سرشان را شور داده باشند و یا هم به گفته شاعر "چون دگران دام تزویر" ساخته باشند، می دانند که محتوای هر سه آیت مطلقاً به ارتباط غزوات پیامبر اسلام اختصاص یافته، بحث شکست ها و پیروزی ها و ادامه اسلام را در وجود و حیات پیامبر و بدون از وی مطرح می سازد. محتوای این آیات هیچ ربطی به زندگانی روزمره مردم نداشته، مردم در زمان حیات محمد نه تنها اجازه داشتند تا عملکرد پیامبر شان را نقد کنند، بلکه انتقاد از قرآن نیز مساوی با کفر تلقی نمی شد.

۴- بزرگترین سند در این موارد اولاً انتقاد انصار از عملکرد شخص پیامبر اسلام بعد از تقسیم غنایم غزوه "حنین" بود که پیامبر خمس غنایم یعنی یک بر پنج آنها را که بر مبنای رسم کهن در جوامع عرب حق فرمانده و رهبر عملیات بود، از آن خود می دانست به تازه مسلمانانی چون ابوسفیان، پسرش معاویه و تعداد دیگری از دشمنان قبلی اسلام که اهل مکه بودند، بخشید. تا جایی که از مطالعه تمام تواریخ اسلامی بر می آید، پیامبر به جای آن که معترضان را با بی اعتنائی از خود رانده و یا سرکوب نموده باشد، تمام معترضان را در یک نقطه جمع با استدلال دل آنها را به دست آورد. مورد نقد قرآن هم دقیقاً بعد از قراردادی است که به صلح "حدیبیه" انجامید و قرآن آن را "فتح مبین" نامید. تاریخ اسلام و اکثر مفسرین در توضیح این کلمه نگاشته اند که همان زمان وقتی پیامبر این آیت مربوطه را خواند، یکی از مسلمانان ضمن آن که قرارداد را فتح ندانست، کاربرد "فتح مبین" از جانب قرآن را نیز بیجا خواند. اما عکس العمل پیامبر اسلام در مقابل آن مسلمان نه تکفیر بود که بگوید بر کلام خدا انتقاد نموده ای پس کافر هستی و نه هم زورگوئی که خدا همین طور گفته، به تو مربوط نیست، بلکه از طریق یک صحبت طولانی به اقناع طرف مقابل پرداخت.

۵- از مجموع این دو بحث نتیجه می گیریم که علی رغم نزدیکی ها بین انتقاد و شایعه پراکنی، برخورد اسلام در قبال آنها آگاهگرانه بوده، زورگوئی و تهدید، تعزیر و مجازات در آن جایی ندارد و اگر قرار باشد کسی را در این مورد مجازات کرد، در قدم اول می باید "امیر غایب" را به اتهام بستن نسبت دروغ به پیامبر و قرآن مجازات نمود.

۶- آنچه در این مبحث از همه مهمتر است چگونگی مبارزه با شایعه و اخبار کذب است. تا جایی که از مطالعات تاریخی، سیاسی و اجتماعی انسان در تمام اعصار و جوامع بر می آید، راه مبارزه علیه شایعه پراکنی و معلومات، ضمن ارتقای فکری مردم، دادن معلومات درست و دقیق است. یعنی خیر کذب و دروغ را فقط می توان با خبر راست تکذیب کرده، بستر شایعه سازی را از میان برد.

این همان کاری بود که پیامبر اسلام خود شخصاً بعد از غزوه احد انجام داد. یعنی بعد از آن که دوست و دشمن خبر کشته شدن، پیامبر اسلام را در غزوه احد پخش کردند و حتا قرآن و ادار شد آن را تکذیب و رهنمائی های لازم را نماید، پیامبر شخصاً نه تنها در محضر همگان ظاهر شد، بلکه با تعدادی از مسلمانان به تعقیب قریش نیز پرداخت، تا شایعه فوت خودش را در عمل تکذیب نموده باشد.

بحثی که در همین رابطه بلافاصله مطرح می گردد، شایعه مرگ ملا "هبة الله" و عدم وجود فردی با چنان مشخصات است. ملا صاحب اگر خود را مسلمان می داند و پیرو "محمد" پیامبر اسلام، به جای آن که تیغ از نیام کشیده و مردم را به بهانه شایعه سازی تهدید نماید، از دید اسلامی، اخلاقی و اجتماعی وظیفه دارد تا در محضر عام ظاهر شده، با نمایش "جمال مبارک" شان درب شایعه سازی را برای همیشه ببندند. هموطنان گرامی!

آنچه را به نام "امیر غایب" زیر نام مخالفت و عدم جواز شایعه پراکنی نظام ملا سالار مطرح می سازد، بستن زبان مردم در قبال ردایل و خبیثی است که همه روزه از که تا مه طالب با آن اشتغال دارند. این فرمانها هیچ ربطی به دین و دیانت ندارد و فقط تلاش یک مستبد جهت تحکیم استبداد است در پوشش دین. به آن تمکین نکنید در افسای جنایات و خیانت های نظام ملاسالار جدی تر از همیشه گام گذارید. آنها از آگاهی شما و مردم ترسیده اند، بر آن بیفزائید.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**